

مانیفست

متن بنیادین ایران شهری در شش فصل. این یک سند زنده است: بازنگری می شود و تاریخچه هر بازنگری در دسترس است.

نسخه کنونی ۱/۴ - آخرین بازنگری ۱۱ تیر ۱۴۰۵

متن ها زیر پروانه کربتیو کامنز ۴/۰ CC BY-SA منتشر می شوند.

چرا ایران‌شهری

پرسش بنیادین این متن ساده است: ایران چیست و ایرانی‌بودن به چه معناست؟ این فصل چارچوب پرسش را می‌گشاید.

۱ ایران یک اتفاق نیست. سرزمینی است که بیش از دو هزار و پانصد سال، در پیوستگی و گسست، خود را از نو ساخته است. هر بار که گمان رفت پایان یافته، دوباره برخاسته است.

۲ اما پیوستگی تاریخی به‌خودی‌خود فضیلت نیست. آنچه اهمیت دارد این است که این پیوستگی بر چه بنیادی استوار بوده و امروز بر چه بنیادی می‌تواند استوار بماند.

۳ ما نه از ملی‌گراییِ رمانتیک سخن می‌گوییم و نه از جهان‌وطنیِ بی‌ریشه. هر دو، به شیوهٔ خود، از پاسخ‌دادن به پرسش اصلی می‌گریزند.

۴ پرسش اصلی این است: چگونه می‌توان جامعه‌ای ساخت که هم به گذشتهٔ خود وفادار باشد و هم در برابر آینده مسئول؟

۵ اندیشهٔ ایران‌شهری در متن‌های کهن، پاسخی به همین پرسش بود. فره، داد، و پیوند میان شهریار و راستی، همگی کوششی بودند برای بنیاد نهادنِ نظامی که نه بر زور، که بر مشروعیت استوار باشد.

۶ بازخوانی این سنت به معنای بازگشت به آن نیست. به معنای دیدنِ پرسش‌هایی است که هنوز پاسخ نگرفته‌اند.

۷ این متن یک برنامهٔ سیاسی نیست. کوششی است برای روشن‌کردنِ زمینی که هر برنامهٔ سیاسیِ جدی باید بر آن بایستد.

سرزمین و مردم

ایران هم یک جغرافیاست و هم یک ایده. این فصل به نسبت میان این دو می‌پردازد و به اینکه چرا هیچ‌یک بدون دیگری معنا ندارد.

۱ ایران پیش از آنکه یک مرز باشد، یک میدان است؛ میدانی که در آن زبان‌ها، آیین‌ها و شیوه‌های زیستن گوناگون در کنار هم و در گفت‌وگو با هم شکل گرفته‌اند.

۲ هر روایتی که این چندگانگی را انکار کند، ایران را کوچک‌تر از آنچه هست نشان می‌دهد.

۳ یکپارچگی سیاسی با یکدست‌سازی فرهنگی یکی نیست. تاریخ ایران نشان می‌دهد که استوارترین دوره‌های آن، دوره‌هایی بوده که این تمایز رعایت شده است.

۴ زبان فارسی در این میان نقشی ویژه دارد؛ نه به‌عنوان زبانی که بر دیگر زبان‌ها برتری دارد، بلکه به‌عنوان زبان میانجی که گفت‌وگو را ممکن کرده است.

۵ پاسداری از زبان‌های دیگر این سرزمین بخشی از پاسداری از خود ایران است، نه تهدیدی برای آن.

۶ مردم پیش از دولت‌اند. هر نظامی که این ترتیب را وارونه کند، دیر یا زود مشروعیت خود را از دست می‌دهد.

داد و نهاد

چرا نهادها مهم‌ترند از نیت‌ها. این فصل به سنت «داد» و به شکست‌های تاریخی در نهادی‌کردن آن می‌پردازد.

- ۱ بزرگ‌ترین کاستی تاریخی سیاسی ما نبودِ آرمانِ عدالت نبوده است؛ نبودِ نهادهایی بوده که عدالت را از نیتِ فرمانروا مستقل کند.
- ۲ «داد» در متن‌های کهن، فضیلتِ شخصیِ شاه بود. این همان‌جاست که سنت ما به بن‌بست می‌رسد.
- ۳ هر نظامی که خوب‌بودنش به خوب‌بودنِ یک تن وابسته باشد، ناپایدار است. نه به این دلیل که آدمیان بدند، بلکه به این دلیل که آدمیان فانی‌اند.
- ۴ نهاد یعنی قاعده‌ای که پس از رفتنِ بنیان‌گذارش هم کار می‌کند. تا وقتی این را نساخته‌ایم، هر اصلاحی موقتی است.
- ۵ قانون‌گرایی پیش‌شرطِ مردم‌سالاری است، نه نتیجهٔ آن. جامعه‌ای که قانون را درونی نکرده، از صندوق رأی چیزی جز اکثریتِ خودکامه بیرون نمی‌آورد.
- ۶ تفکیک قوا یک آرایش اداری نیست؛ اعترافی است به اینکه هیچ‌کس را نباید بی‌مهار گذاشت.
- ۷ و آزادی مطبوعات نه لطفی به روزنامه‌نگاران، که سازوکارِ خوداصلاحیِ خودِ حکومت است.

زبان و اندیشه

زبانی که واژه ندارد، اندیشه‌ای که آن واژه به آن اشاره می‌کند را هم به‌سختی می‌پرورد. این فصل بنیاد نظری بهین پارسی است.

۱ زبان ابزار بیان اندیشه نیست؛ بستر آن است. آنچه در زبان نامی ندارد، در اندیشه هم جای روشنی ندارد.

۲ فارسی امروز نه فقیر است و نه ناتوان. اما ساخت واژه‌سازی آن سال‌هاست که کم‌کار مانده و ما به‌جای ساختن، وام می‌گیریم.

۳ مسئله وام‌گیری نیست. هیچ زبان زنده‌ای بدون وام‌گیری نبوده است. مسئله این است که وقتی توان ساختن از کار بیفتد، وام‌گیری از انتخاب به ناچاری بدل می‌شود.

۴ احیای ساخت زبان یعنی احیای وندها، ریشه‌ها و الگوهایی که با آن‌ها می‌توان واژه تازه ساخت. این کاری زبان‌شناختی است، نه ایدئولوژیک.

۵ به همین دلیل واژه‌نامه بهین پارسی فقط فهرست واژه نیست: هر مدخل، ساختار صرفی و ریشه خود را همراه دارد. هدف این است که خواننده الگو را ببیند، نه فقط نتیجه را.

۶ و به همین دلیل این داده‌ها آزاد و باز منتشر می‌شوند. پذیرفته‌شدن این واژه‌ها مهم‌تر از دیده‌شدن این وب‌گاه است.

در برابر دو گریز

دو پاسخِ رایج به بحرانِ هویت – بازگشت به گذشتهٔ خیالی و انکار یکسرهٔ گذشته – هر دو گریزند. این فصل هر دو را می‌سنجد.

۱ نخستین گریز، گذشته‌گرایی است: باور به اینکه جایی در تاریخ، وضعِ کامل برقرار بوده و کافی است به آن بازگردیم.

۲ این باور دو خطا دارد. نخست آنکه آن وضع هرگز چنان که تصور می‌شود نبوده؛ و دوم آنکه حتی اگر بوده، شرایطی که آن را ممکن کرده بود دیگر وجود ندارد.

۳ گریز دوم، انکار است: باور به اینکه گذشته یکسره بار است و رهایی در گسستنِ کامل از آن.

۴ اما جامعه‌ای که حافظه‌اش را دور بریزد، هر نسل باید همه چیز را از نو بیاموزد. این گران‌ترین شکلِ پیشرفت است.

۵ راه سوم دشوارتر است: بازخوانی انتقادی گذشته. یعنی پذیرفتنِ اینکه در همان سنت، هم منابعِ رهایی هست و هم ریشه‌های سلطه.

۶ کار ما جدا کردنِ این دو از یکدیگر است – و این کاری است که یک نسل به تنهایی به پایان نمی‌رساند.

این کوشش چیست

ایران شهری چه می‌کند، چه نمی‌کند و بر چه اصولی کار می‌کند.

۱ ایران شهری یک حزب نیست، یک جنبش نیست و پشتِ هیچ نامزدی نایستاده است. کوششی پژوهشی و آموزشی است.

۲ همه آنچه اینجا منتشر می‌شود آزاد، رایگان و بدون نیاز به حساب کاربری در دسترس است. هیچ بخشی از محتوا پشت پرداخت نمی‌رود.

۳ عضویت، اگر روزی برقرار شود، فقط بخش‌های اجتماعی را می‌گشاید – ثبت‌نام رویداد، حلقه‌های مطالعاتی و انجمن گفت‌وگو. خواندن هرگز مشروط نمی‌شود.

۴ این متن یک سند زنده است. بازنگری می‌شود و تاریخچه هر بازنگری در دسترس همگان است. هر بند نشانی مستقل خود را دارد تا بتوان دقیقاً به آن ارجاع داد.

۵ نقد این متن، بخشی از خود متن است. ما پیش از آنکه بخواهیم قانع کنیم، می‌خواهیم روشن بگوییم.

۶ و اگر روزی معلوم شد بندی از این متن نادرست بوده، آن بند تغییر می‌کند و تاریخ تغییرش ثبت می‌شود. این تنها تعهدی است که می‌توانیم بدهیم.